

شهرها و کارگران ساختمانی

ساختمان‌های شهری، با کاربری‌های گوناگون، چه اداری، چه تجاری، چه شرکتی، چه خدماتی، چه مسکونی و ... چهره‌ی غالب جهان فعلی را تشکیل می‌دهند و ما هر صبح چشم‌مان به آن‌ها باز می‌شود. این ساختمان‌ها که بسیاری‌شان هیبت غول‌آسایی دارند و ده‌ها و صدها طبقات بر روی هم، به سمت آسمان، فضا را شکافته‌اند باعث شده‌اند که تجربه‌ی زیسته‌ی انسان عصر مدرن با انسان‌های روزگاران پیشین تفاوت قابل ملاحظه‌ای پیدا کند. این ساختمان‌ها با نماهای متنوع تبدیل به نمادهای پیشرفت شده‌اند و هر کشوری تلاش دارد که سازه‌ای مرتفع‌تر بسازد.

به دلیل اهمیت فضا در شیوه‌ی تولید سرمایه‌داری و کمبود آن، لذا تولید آن به صورت مرتفع‌سازی‌های دیوانه‌وار انجام می‌شود و هر روز کارگران مجبورند که در ارتفاع‌های بالاتر (و در معادن در اعماق ژرف‌تر) کار کنند و احتمال آسیب و مرگشان بیش‌تر شود. شیوه‌ی تولید سرمایه‌داری، پیش‌برد تراکم و تمرکز سرمایه است و یکی از مکان‌های این تراکم و تمرکز و انباشت شهرها هستند و به نسبت این که چه میزان انباشت انجام شده، شهرها کوچک‌تر و بزرگ‌تر می‌شوند. هم‌چنین شهرها مرکز فرماندهی و مدیریت سرمایه است. این شهرها مملو از ساختمان‌های متنوع‌اند که پویه‌ی مداومی برای تولیدشان در جریان بوده است. علاوه بر فرآیندهای کلان تولید مواد اولیه‌ی ساختمان‌ها اعم از آجر و سیمان و مصالح و تیرآهن و میل‌گرد و کالاهای برقی و آسانسور و کاشی و سنگ و سرامیک که در معادن و کارخانه‌های عظیم کارگران مشغول به تولید آن‌ها هستند، کارگران ساختمانی این مواد اولیه را به کار می‌گیرند و با ملاحظه نیروی کارشان درهم می‌آمیزند و سازه‌ها و ساختمان‌ها را بالا می‌برند.

میلیون‌ها کارگر در شهرهای بزرگ و کوچک ایران به‌عنوان آرماتوربند، بنا، لوکه‌کش، برق‌کار، جوش‌کار، نگهبان، آشپز و ... مشغول به کارند و ارزش‌افزوده‌ی فراوانی را به شکل کالاهای ساختمانی تولید می‌کنند. در ایران به دلیل شرایطی که بر زادورشد سرمایه حاکم است، از همان اوان تولید ساختمان جز عرصه‌هایی بوده که سرمایه‌ی فراوانی را به خود جذب کرده و سرمایه‌دارهای فراوانی به قصد کسب سود کلان به سمت آن رفته‌اند. یکی از دلایل جذاب بودن بخش ساختمانی برای سرمایه‌داران، بی‌حقوقی کارگران این بخش، عدم رعایت قانون کار به دلیل قطعی بودن تولید هر ساختمان و نیز مهاجرپذیری بالای این بخش (چه کارگران داخلی و چه کارگران مهاجر) است.

پس به شهر نباید چون انبوه انسان‌هایی که در کنار هم زندگی می‌کنند نگریسته شود. شهرها محل مداوم تولید و تراکم و تمرکز سرمایه‌اند و نیز مرکز مدیریت سرمایه‌ها شهرها مکان تولید فضا و تولید کالاهای ساختمانی‌اند و این امر شهرها را مملو از کارگاه‌های کوچک و عظیمی می‌کند که در هر کوچه و پس‌کوچه و خیابان و بلواری پراکنده‌اند. در این کارگاه‌ها کارگران ساختمانی مشغول کار و تولید ارزش‌اند. لذا چند میلیون کارگر توسط مالکان و شرکت‌های ساختمانی به استثمار گرفته می‌شوند و این کارگران ساختمانی هم با توجه به کمیت‌شان و هم با توجه به نقش اساسی‌ای که در اقتصاد دارند بخش مهمی از کارگران مولدند. اما این بخش از کارگران در یک بی‌تشکلی و پراکنده‌گی مطلق به سر

می‌برند و این دست مالکان و شرکت‌ها را برای تحمیل انواع و اقسام اجحافات و بی‌حقوقی‌ها بازمی‌گذارد. یعنی دست‌مزد‌های پایین، محل‌های اسکانی دون شأن کارگران که در همان ساختمان‌های در حال ساخت و یا کانکس‌های موقت است، بیمه‌نشدن، ایمنی کم محل کار و عدم تأمین یراق‌آلات ایمنی و کار در ارتفاع، پرداخت‌های کم‌تر برای همان کار به کارگران افغان و نیز کارگرانی که سن کمی دارند، عدم تهیه البسه و کفش مناسب و ... همه‌گی مظالمی‌ست آشکار از سوی سرمایه‌داران بوالهوس بخش مسکن و ساختمان بر کارگران این بخش. پس پاسخ این وضع چیست؟

کارگران هیچ راهی جز اعتراض و اتحاد و هم‌بستگی و تشکیل اتحادیه و تشکل خود ندارند. ولی اینجا مشکلی که وجود دارد پراکندگی کارگران این بخش در صدها و هزاران کارگاهی است که در سطح یک شهر و شهرهای کوچک و بزرگ برپا هستند. پس کارگران این بخش امر تشکل خود را باید محله‌ای و یا شهری پیش ببرند تا مشت آن‌ها قوی‌تر شود. در این زمانه که کارگران در هفت‌تپه، هپکو، در پروژه‌های نفت و گاز و پتروشیمی و در بخش معدن، مبارزات توفنده‌ای را پی‌گرفته‌اند، مبارزاتشان باید فراراه و الگوی کارگران بخش ساختمانی شود تا کارگران این بخش نیز از این مبارزات و احقاق حقوقشان عقب نمانند.

مسئله‌ی مهمی که در بخش تولید ساختمان وجود دارد، همان‌طور که بالاتر اشاره شد، وجود کارگرانی از کشور افغانستان در تعداد زیاد است. این کارگران افغان که به دلیل نیم قرن جنگ و ویرانی در کشورشان و حمله‌ی آمریکا ناچار به مهاجرت و به‌جا گذاشتن خانه و کاشانه خود شده‌اند، در ایران به کارهای سختی مشغول‌اند اعم از بخش کشاورزی، دام‌داری، باربری، ساختمانی و ... از طرف دیگر، این کارگران افغانی به دلیل شرایطشان مجبورند که فشار کاری بیش‌تری را تحمل کرده و به دست‌مزد کم‌تر قناعت کنند و این برای سرمایه‌داران زالوصفت بسیار دل‌نشین است؛ و در این میان این سرمایه‌داران به منظور ابدی ساختن این وضعیت، دست به تولید احساسات و افکار ضدافغانی و نژادپرستانه‌ای می‌زنند. افغانستانی‌ها در وضع فرودستانه‌ای قرار دارند و افکار ضدافغانی محصول و عامل پایداری این وضع است. لیکن کارگران ساختمانی باید آن‌ها را برادران و هم‌طبقه‌ای‌های خود بدانند و به یاد داشته باشند که اگر می‌خواهند در احقاق حقوق خود علیه مالکان و شرکت‌های ساختمانی به‌پیش بروند باید با این کارگران افغانی دست اتحاد و موّدت بدهند و اصل را بر کارگرو بودن و تحت استثمار بودن قرار دهند و نه انواع و اقسام اوهام محصول جامعه‌ی سرمایه‌داری. این یک اصل است که کارگران همه‌ی کشورهای جهان، برادران بین‌المللی‌اند و هم‌سرنوشت در جدالشان علیه سرمایه‌داران و دولت‌هایشان.

پس با لحاظ کردن موارد فوق، کارگران ساختمانی باید بر پراکندگی خود غلبه کنند، دست به تشکل و اتحادیه‌سازی بزنند و ورای اوهامات زاییده‌ی سرمایه‌داران و منافعشان، برادری طبقاتی را به‌پیش ببرند تا همان‌طور که بخش مهمی از طبقه‌ی کارگر ایران هستند مبارزات درخشانی را نیز به‌قصد عقب‌راندن سرمایه‌داران و پیش‌برد منافع خود و خانواده‌شان کلید بزنند. این یادمان باشد که سرمایه‌داران اضافی و زائده‌ی جامعه‌اند و دیگر نباید جایی برای آن‌ها و قوانین و کنترل‌گری و اداره‌ی جامعه از سوی آن‌ها باشد.